

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان قاضی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشتریان: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۲۳۲۷۲۵

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۲۰ بهمن ۱۴۰۱ • ۱۸ رجب ۱۴۴۴ • ۹ فوریه ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۴۹۳ • ۱۲ صفحه
اذان ظهرتهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۵۸:۱۷
اذان صبح فردا ۵:۳۲ • طلوع آفتاب ۶:۵۷

شرق

دیالوگ روز

شهر- بن افلک - ۲۰۱۰

داک مک ری (بن افلک) :

فرقی نمیکنه چقد عوض شدی، تو باید بهای کارهایی که انجام دادی را بپردازی.

پس من راه درازی بیش‌رو دارم؛

ولی باز تو رو خواهم دید. این دنیا با اونور.

۱۷ روزنامه‌نگار در زندان

احسان پیربرناش آزاد شد

شرق: طی چند روز گذشته خبر آزادی و همچنین بازداشت چند روزنامه‌نگار مطرح شده است. در این میان امید به آزادی روزنامه‌نگارانی که در طول اعتراضات بازداشت شده‌اند، در حال افزایش است. هرچند روز یکشنبه ۱۶ بهمن الناز محمدی دبیر اجتماعی روزنامه هم‌میهن پس از حضور در دادسرای اوین بازداشت شد اما طی این چند روز برونده چند نفر از آنها بسته شده است. مریم شکرانی دبیر اقتصادی روزنامه شرق که روز ۱۸ بهمن دادگاه داشت و افشین امیرشاهی سردبیر هم‌میهن آنلاین از این روزنامه‌نگاران هستند. نکین باقری نیز از روزنامه‌نگارانی بود که خبر آزادی‌اش با قرار وثیقه یک میلیاردی منتشر شد. همچنین احسان پیربرناش طنزنویس و روزنامه‌نگار ورزشی نیز دیروز از زندان قلمشهر آزاد شد. بهناز میرمطهریان همسر او در گفت‌وگو با شبکه شرق این خبر را تأیید کرد. پیربرناش آبان امسال بازداشت شده بود و به ۱۸ سال زندان در دادگاه بدوی محکوم شده بود. فیلمی از آزادی او و دیدار با پسرش کیان بسیار تأثیرگذار است. همچنین سعیده شفیع خبرنگار و نویسنده با قرار وثیقه ۵۰۰ میلیونی نیز آزاد شده است. آریا جعفری عکاس خبری و نسیم سلطان‌بیگی روزنامه‌نگار، نیز طی چند روز گذشته به قید وثیقه از زندان آزاد شدند. سلطان‌بیگی شامگاه ۲۱ دی‌ماه هنگام خروج از کشور در فرودگاه امام بازداشت شده بود. آریا جعفری نیز حدود چهار ماه پیش دستگیر شده بود و در دادگاه بدوی این عکاس مطبوعاتی در دادگاه به تحمل مجموعاً هفت سال زندان، تحمل ۷۴ ضربه شلاق در دادگاه کیفری و دو سال

ممنوعیت خروج از کشور محکوم شده است. در عین حال حکم چند نفر از روزنامه‌نگاران اعلام شده است؛ بر اساس گزارش‌ها حسین محمدی‌یزدی که ۱۴ آذر دستگیر شده بود توسط قاضی شعبه اول دادگاه انقلاب اصفهان به تحمل یک‌سال حبس تعزیری، دو سال ابطال گذرنامه و ممنوعیت خروج از کشور و نیز الزام به شرکت در دوره مدیریت رفتار و مهارت دانش محکوم کرده است. مسعود کردپور، روزنامه‌نگار و سردبیر آژانس خبری موکریان که بیش از چهار ماه است در زندان به سر می‌برد از سوی دادگاه انقلاب شهرستان بوکان به تحمل ۱۷ ماه حبس محکوم شده است. در حال حاضر با بررسی تغییرات آخرین فهرستی که هفته گذشته از سوی کمیته اجرائی پیگیری وضعیت روزنامه‌نگاران بازداشتی منتشر شده هنوز ۱۷ روزنامه‌نگار همچنان در زندان هستند. نیلوفر حامدی روزنامه‌نگار شرق، الهه و الناز محمدی روزنامه‌نگاران هم‌میهن، مسعود کردپور مسئول آژانس خبری موکریان، ویدا ریانی روزنامه‌نگار، امیرحسین بریمانی روزنامه‌نگار، اشکان شمی‌پور فعال رسانه‌ای، شهریار قنبری نویسنده نشریه بادبان، فرزانه یحیی‌آبادی خبرنگار محلی در آبادان، ملیحه درکی عکاس شیرازی، مارال دارآفرین خبرنگار لاهیجانی، کامیار فکور روزنامه‌نگار، اسماعیل خضری خبرنگار در کردستان، حسین محمدی‌یزدی سردبیر رسانه‌های ایران‌تایمز و مبین ۱۲۴، امیر عباسی سردبیر سابق سلام نو و مهرنوش زارعی‌پنژکی خبرنگار. همچنین احمد غلامی گرافیس‌ت مطبوعاتی نیز همچنان در زندان است.

تاریخ اجتماعی ایران نشان می‌دهد مردم در هر شرایطی از کمک‌به هموطنان خود در بحران‌ها دریغ نکرده‌اند. اولین باری که بنا می‌اندازی یک چهره شناخته‌شده، جنبشی مردمی برای کمک به راه افتاد زلزله بوئین‌زهر

بود. در شهریوره ماه ۱۳۴۱ زمین‌لرزه‌ای قدرتمند شهرستان بوئین‌زهر را واقع در استان قزوین کونوی را لرزاند و حدود ۲۰ هزار کشته بر جای گذاشت. شادروان غلامرضا تختی ظاهرا به پیشنهاد نشریه «کیهان ورزشی» یک‌تنه در شهر تهران به راه افتاد و اقدام به جمع‌آوری کمک کرد. کسبه بازار دخل‌های مغازه و زنان طلا و جواهرات خود را با توجه به شناختی که از تختی داشتند، سخاوتمندانه اهدا کردند. حتی گفته شده بیژنی که توانایی مالی نداشته، تنها دارایی‌اش یعنی چادر سر خود را تقدیم می‌کند. متأسفانه در این چندساله بلایای طبیعی فراوانی کشور را درگیر کرده که از میان آنها می‌توان به زلزله رودبار و منجیل در سال ۱۳۶۹، زلزله بَم در سال ۱۳۸۲ و سیل اوایل سال ۱۳۹۸ اشاره کرد. در همه این رخدادها چهره‌های ورزشی و هنرمندان (یا به گفته امروزی‌ها «سلبریتی‌ها») پیشرو در جمع‌آوری کمک‌های مردمی شدند. حتی در سال ۱۳۶۹ که هم‌زمان با برگزاری جام جهانی ۱۹۹۰ ایتالیا بود، یورگن کلینزمن فوتبالیست سرشناس آلمانی نیز با مردم ایران همدردی و کمک‌هایی کرد.

آنچه که انگیزه نوشتن یک یادداشت شد، اعلام شماره‌حساب شخصی از سوی کریم باقری برای دریافت کمک‌های مردمی در حمایت از زلزله‌زدگان خوی و مسدودشدن آن بود. باقری در متنی که در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرده ماجرا را این‌گونه روایت می‌کند: «سلام به هم‌میهنان عزیز. طی درخواست‌های زیادی از طرف دوستان و آشنایان جهت ابراز همدردی از طریق کمک‌های نقدی و بشردوستانه طبق سوابق بنده در این زمینه‌ها، خودتصمیم گرفتم مسئولیت این کار را بر عهده بگیرم تا طبق روال همیشه تلاش کنیم شاید مقداری از فشار و رنج مردم را کاهش دهیم. روز سه‌شنبه صبح در اینستاگرام شماره‌حسابی در اختیار گذاشتم؛ ولی چند ساعت بعد حساب مسدود و غیرفعال شد. خواستم بدین‌وسیله از تمام کسانی که موفق به واریز کمک‌های نقدی شده‌اند و کسانی که با وجود تلاش‌های مکرر موفق نشدند، تشکر و قدردانی کنم…» قوه قضائیه نیز در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که در سال‌های گذشته و در پی وقوع

شاهنامه‌خوانی

خسرو، روشنای چشم کاووس

در پی نبرد پاپائی خسرو با افراسیاب که به شکست شاه توران انجامید، گریسوز کجسته و جهن، فرزند افراسیاب، در بند کسپه ایران گرفتار آمدند و گویو به فرمان خسرو، آن دو و دیگر اسیران و غنایم را نزد کاووس برد. کاووس، جهسن را جایگاهی

شایسته در کاخ خویش بخشید و گریسوز را که همه رنج‌ها از رشک‌ورزی‌های او برخاسته بود، در زیرزمینی نمور و بی‌نور به بند کشید. آن‌گاه حکیم توس خود لب به سخن می‌گشاید و می‌گوید: «خوشا آن پادشاهی که دستی بخشنده، دلی دریایی و اندیشه‌ای پارسا دارد و می‌داند که گیتی بر او می‌گذرد و به بی‌خردی نمی‌گراید».

خنک آن کسی کو بود پادشاه/ گفی راد دارد دلی پارسا/ بداند که گیتی برو بگذرد/ نگردد به گرد در بی‌خرد.

کاووس درگاه خویش را از آبیگانه تهی گرداند و دبیری را فراخوانده، برای نامداران و مہتران هر کشوری نامه فرستاد که اکنون ترک و چین یکسره به فرمان ماست و دیگر پلنگ و بره از یک آبشخوری نمی‌نوشند. شهربار ایران درویشان را درم و دینار داد و دو هفته پیوسته از انبوه نیازمندان و دریافت‌کنندگان بخشش، راه به درگاه شاه بسته شده بود. کاووس در هفته سوم بر جایگاه شهرباری خود به شادی بنشست و آوای نای و بانگ سرود در شهر، پژواکی دیگر یافت و سر ما، نه گویو را به نزد خود فراخوانده، در جایگاهی بلند بنشاند و جامه‌ای بخشید که بر آن زر و بیروزه نشانده بودند. آن‌گاه دبیری را فراخوانده و فرمان داد با خود کاغذ و مشک و عنبر آورد و نامه‌ای پرهمر برای نواده خود نوشت با این سخن: «فرزند ما بخت بیروز یافت و از سواروار مہتری و تاج و تخت است و آن دیوخویی که گیتی از او تنگ داشت، به کوشش نواده من در جهان آواره شد و دیگر مردمان جز به زیر لب نام او را نیارنود؛ همان کسی که سالیان سال خون بریخت و بدنامی با خود آورد، کردن شهربار ایران، نوذر تاجدار را بزد و برادر خویش را نیز با بداندیشی بکشت. پس او را رها مکن و در توران و مکران و دریای چین در پی او یمان تا شاید جهان از رنج او رهایی یابد و امید که دادگر مہربان، تو را رهنمون شود تا گیتی را از رنج بدان و گفتار و کردار نابخردان بزدایی. آرزوی آن دارم که تو را شادمان ببینم و دل دشمنانت را آکنده از درد و از این پس پیوسته سر بر آستان یزدان پاک می‌سایم که همه امیدم و همه بیمم از اوست. آرزوی می‌کنم سرت سبز و دلت آکنده از داد و جهان‌آفرین رهنمای تو باشد». و چون این نامه نوشته شد، کاووس بر سر آن مهر نهاد و نامه را به گویو سپرد تا آن را در گنگ‌دژ به خسرو رساند. خسرو چون نامه نیای خویش را از گویو دریافت کرد، شادمان گشت و فرمان داد جام می آوردند و رامشگران به ترم، ترانه‌ها خواندند و سپاه را کلاخود و جوش بخشید و پیام نیای خویش را در برابر آنان بازخواند. آن‌گاه خسرو، سپاه به کستم، فرزند نوذر سپرد تا راهی چین شده، جهان را با شمشیر به فرمان خود درآورد و خود کریان به شارستان پدر رفت و گرد باغ سیاوش بگشت و در جایی که خون سیاوش را ریخته بودند، از دادار مہربان خواست در همین‌جا خون افراسیاب را بریزد و کین خویش را فرونشاند.



♦ با وجود گذشت ۱۱ روز از زلزله شهرستان خوی، امدادرسانی به زلزله‌زدگان در روستاهای صعب‌العبور ادامه دارد و عملیات آواربرداری و بازسازی نیز در این شهرستان آغاز شده است. عکس: حسین یاراحمدی/امیزان

زلزله خوی و پیشنهادی به چهره‌های نیکوکار

حوادث غیرمترقبه از قبیل سیل و زلزله، گاه مواردی پیش آمده است که افراد مشهور برای جمع‌آوری کمک‌های مردمی به حادثه‌دیدگان شماره‌حساب‌های شخصی خود را اعلام کرده‌اند. چنین اقداماتی در معرفی حساب‌های بدون ضابطه منجر به وقوع جرایمی نظیر کلاهبرداری یا مشخص‌نشدن نتیجه هزینه‌کردها و عملکرد افراد شده است. اخیرا نیز در پی وقوع زلزله در شهرستان خوی، برخی از هنرمندان و ورزشکاران مشهور دست به اقدام مشابهی زده و برای دریافت کمک‌های مردمی شماره‌حساب شخصی خود را در فضای مجازی معرفی کرده‌اند که البته این اقدام نیاز به در نظرگرفتن موازین قانونی داشت. بر اساس قانون مدیریت بحران کشور و در راستای پیشگیری از وقوع جرم، صرفا سازمان هلال احمر با همکاری کمیته امداد امام خمینی(ره)، سازمان بسیج مستضعفین، سازمان بهزیستی کشور، وزارت امور خارجه و سایر دستگاه‌های مرتبط اقدامات لازم در زمینه جذب، هدایت و توزیع کمک‌های غیردولتی را انجام می‌دهند و هیچ شخصی مجاز به تبلیغ و جمع‌آوری کمک‌های مالی مردمی نیست. جهت ضابطه‌مندسازی نحوه مدیریت بحران در سطح کلان، مجلس شورای اسلامی در هفتم مردادماه ۱۳۹۷ قانون «مدیریت بحران کشور» را در ۲۶ ماده از تصویب گذراند. در ماده یک این قانون، هدف از تصویب ارتقای توانمندی جامعه در امور پیش‌بینی و پیشگیری، کاهش خطر و آسیب‌پذیری، پاسخ مؤثر در برابر مخاطرات طبیعی، حوادث و بحران‌ها، تقویت تاب‌آوری با ایجاد مدیریت یکپارچه در امر سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت دقیق بر فعالیت دستگاه‌های ذی‌ربط در حوزه حوادث و سوانح و کمک به توسعه پایدار برای مدیریت بحران کشور عنوان شده است. در این قانون سه نهاد «شورای عالی مدیریت بحران»، «سازمان مدیریت بحران کشور» و «ستاد پیشگیری، هماهنگی و فرماندهی عملیات پاسخ به بحران» نیز پیش‌بینی شده است. در بیانیه قوه قضائیه با استناد به ماده ۲ این قانون، امکان جمع‌آوری کمک‌های مردمی را فقط به همکاری سازمان هلال احمر و با همکاری نهادهای امدادی زیر نظر سازمان بهزیستی کشور امکان‌پذیر دانسته است. بهترین پیشنهاد برای جلوگیری از سوءتفاهم و هدردادن انرژی در بحبوحه بحران و امکان همیاری فوری به هموطنان، تأسیس یک سازمان مردم‌نهاد از سوی چهره‌های هنری و ورزشی کشور برای جمع‌آوری کمک‌های نقدی و غیرنقدی در مواقع مورد نیاز زیر نظر سازمان هلال احمر است؛ مانند «بنیاد باران عشق» که سال‌ها پیش بانو نرگس کلباسی به عنوان نهادی غیردولتی و غیرانتفاعی با هدف کمک‌رسانی و انجام فعالیت‌های ماندگار در مناطق محروم کشور تأسیس کرد.

خسرو از آنجا سوی تخت بازگشت و از میان سپاهیان خود کسانی را برگزید که بیان و زبانی گویا داشتند و آنان را نزد خاقان چین، فغفور و مکران فرستاد که اگر شیوه داد در پیش گیرند و فرمان برند و از گذشته خویش بشیمان باشند و نیازهای سپاه او را برآورده گردانند، بی‌کمان و آسایش و آرامش خواهند زیست و کسی که از فرمان او روی گرداند، باید خود را برای رزم آماده کند. فرستادگان خسرو به یک‌یک آن کشورها رفتند و خاقان چین و فغفور با آگاهی از پیام خسرو، اگرچه آزرده، به ناگزیر فرستاده او را گرم پذیرا گشتند و با آواز نغم به او گفتند: «ما همه کهنتر شهربار ایران هستیم و تنها از او فرمان می‌گیریم». و بدین‌گونه خورد و خوراک سپاه ایران و چهاریابانشان در هر گذری فراهم آمد. تنها پادشاه مکران نامه خسرو را ناچیز دانسته، فرستاده را خوار شمرد و گفت: «شاه ایران را بگو نادیده بر ما فزونی نتجدید. همه گیتی زیر تخت من است و جهان از بخت من روشنی گرفته. چون خورشید نور افشاند، نخست بر این بوم می‌تابد و اگر خسرو بخواهد از سرزمین من گذر کند، راه بر او خواهم بست».

بدو گفت با شاه ایران بگو/ که نادیده بر ما فزونی مجوی/ زمانه همه زیر تخت من است/ جهان روشن از فز بخت من است/ چو خورشید تابان شود بر سپهر/ نخستین برین بوم تابد به مهر.

فرستاده خسرو چون بازآمد و پیام پادشاه مکران بگزارد، شاه ایران سخت برآشف‌ت و شتابان و گرازان به سوی ختن فرت. در گذر از ختن، خاقان چین و فغفور، پوزش خواه و آفرین‌گویان به دیدار خسرو آمدند و تا سه ایستگاه شاه را همراهی کردند و از پوشش و خورش و از آرایش بزم و گستردنی چیزی فرونگذاشتند و همه گذرگاه خسرو را با دنیا بیاراستند و در راه او، زعفران و درم ریختند. فغفور صد هزار دینار نیز به خسرو پیشکش کرد و شهربار ایران سه‌ ماه را با نامداران سپاه خود در چین و ختن بماند و فغفور هر بامداد برای شاه پیشکشی تازه داشت. در ماه چهارم شاه ایران فرمان داد رستم در چین بماند و خود به سوی مکران تاخت گرفت. خسرو چون به نزدیکی مکران رسید، جهان‌دیدهای را از لشکر خود برگزید و او را نزد شاه مکران روانه کرد با این پیام: «بنگر ما چه راهی را درنوردیده‌ایم و جهان از تاج و تخت ما روشنی گرفته و چه بسیار بزگان که سر بر آستان ما می‌سایند. اگر خورد و خوراک سپاه مرا فراهم نیآوری، جهان را بر بداندیشی چون تو، تنگ خواهم کرد و اگر اکنون به گفتار من ننگری، رودباری از خون روان می‌کنم و همه شهر مکران را ویران خواهم کرد». فرستاده خسرو به نزد شاه مکران رفت، پیام بگزارد. آن نابخرد را گوش شنوا نبود و بار دیگر پیام خسرو را خوار بنداشته، به خشم آمد.

فرستاده آمد پیامش بداد/ نبد بر دلش جای پیغام و داد/ سر بی‌خرد زن سخن خیره شد/ بجوشید و مغزش از آن تیره شد/ پراکنده لشکر همی گرد/ بیاراست در دشت جای نبرد. آن‌گاه فرستاده خسرو را با این پیام به نزد او بازگرداند که بگویدش آن بیوزری‌هایی که به دست آورده‌ای، همه و همه از مهر گردش گیتی‌فروز بوده است و چون به نزد ما به دستبرد آبی، خواهی دانست مرد کیست و جنگاور کدام است. فرستاده خسرو چون بازگشت، همه شهر مکران پر از گفت‌وگو شد و زمین مکران را از کوه تا کوه لشکر فراگرفت. دویست پیل جنگی بیاوردند تا در پیشایش سپاه مکران جای دهند.



فراخوان فوری جمع‌آوری شیرخشک برای نوزادان شیرخوار روستاهای زلزله‌زده خوی

شماره کارت: ۶ ۱ ۰ ۴ ۳ ۳ ۷ ۸ ۹ ۳ ۰ ۵ ۱ ۱ ۸ ۳

شماره‌حساب: ۵ ۰ ۰ ۶ ۲ ۷ ۷ ۰ ۴ ۰

به نام موسسه خیریه نیکوکاران شریف



عضو ویژه مشورتی
شورای اجتماعی،
اقتصادی سازمان ملل
عضو برنامه‌جهانی
سازمان ملل متحد



نیکوکاران شریف

حامی زنان و کودکان بدسرپرست

۰۲۱-۶۱۶۰۴